

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooch.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مشکلات دانشجویی

خوابگاههای دانشجویی

امکانات و ...

بعضی ها به این دخمه‌ها، خوابگاه دانشجویی می‌گویند.

اینجا بزرگترین شهر خوابگاهی ایران است؛ ایرانی کوچک در تهران، کارگر شمالی، امیرآباد.

چهار هزار سکنه جوان که قرار است چهار سال و شاید کمی بیشتر را در اتاق‌های کوچک و شلوغ آن به صبح برسانند. می‌گویند ساختمان شماره یک روزی خوابگاه سربازان آمریکایی در جنگ جهانی دوّم بوده است. صدای موسیقی آرام، و گاه سرفه‌های خشک یا سوت گزنده باد و ناله درهای نیمه باز با هم می‌آمیزد.

لباسهای آویزان بالکن‌ها به زحمت خود را روی طناب نگه می‌دارند. ساختمان‌های زوار در رفته و پیر، هر از گاه به تکانی بزرگ می‌اندیشند که روزی دلشان را تکان می‌دهد و هری فرو خواهند ریخت. و آن وقت خیلی‌ها همراه با آنها خواهند مرد! می‌گویند ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان آن هم برای متعادل سازی کوی دانشگاه، هزینه لازم است. سیستم برق اینجا ۷۵ درصد مستهلک اعلام شده است و ۴۰۰ میلیون تومان هزینه می‌خواهد. دست روی هر جا که بگذاری، همین طوری است. سیستم‌های گرمایشی، ایزوگام ساختمان، مخابرات و سیستم اتوماسیون ورود و خروج دانشجویان و ... اما با این حال ۱۴۰ میلیون تومان برای تعمیرات کوی اختصاص یافته است.

اتاق‌های ۶ نفره، بهترین شرایط درس خواندن را برایت جفت و جور کرده‌اند. بوی تند جورابها، ظرفهای نشسته و سطوحی آشغال چشم انتظار که دوست دارند روزی خودشان را

تخلیه کنند و خرناسهای کشدار مصطفی، سوسک های کپل و چاقی که هر از چندی

شاخک های فر زده شان را از توی سوراخ های دستشویی برایت تکان می دهند یا صدای

صادق که با لهجه غلیظ ترکی اش، قربون و صدقه مادرش در میانه می شود و ...

خدا پدر تابستان را بیامرزد! چمن سبزی بود که دور از این همه آشفتگی می توانستی چند

دقیقه ای دستی به سر و روی کتابهایت بکشی.

۴۰۰ دانشجو در پردیس مرکزی کوی، ۲۸۰۰ نفر در چهار ساختمان خوابگاهی شهید

چمران، ۲۵۰۰ دانشجو در خوابگاه های فاطمیه، ۱۲۰۰ دانشجوی دختر و در ۴ ساختمان

پراکنده در اطراف دانشگاه تهران و ۱۳۰۰ دانشجو در یک ساختمان دیگر در اطراف

دانشگاه ساکن این اتاق های ۶ نفره اند.

دکتر محدث، مدیر کل امور دانشجویان داخلی کشور می گفت: وظیفه دانشگاه فقط آماده

ساختن امکانات پژوهشی و علمی است و هیچ آیین نامه ای هم دانشگاه را ملزم نمی کند

خوابگاه رایگان به دانشجویان بدهد.

دانشگاه تهران، آن هم در بخش متأهلان، سه خوابگاه جلال آل احمد با ۱۹۰ واحد

مسکونی، ۱۶ آذر با ۲۰ واحد مسکونی و خوابگاه فرهنگ با ۴۸ واحد مسکونی را شامل

می شود. در مجموع دانشگاه تهران ۱۴۰۰ اتاق برای دانشجویان مجرد دختر و پسر و ۲۷۰

واحد مسکونی برای دانشجویان متأهل دارد.

آن سوی این شهر و در هر گوشه‌ای از آن، ساختمان‌های ریز و درشتی را می‌توان یافت که تنها به بهانه چند تخت آهنی، پیژامه‌های آویزان روی آن و لابلای کتابهای قطور چیده شده روی میز کنار پنجره اتاقهایشان، نام خوابگاه دانشجویی به خود گرفته‌اند.

۲۵۰ هزار دانشجوی شهرستانی، حتی همین سرپناه با چنین امکاناتی را هم ندارند.

دکتر محدث معتقد است: از آنجا که مطابق قانون، دستگاه‌ها ملزم به تأمین خوابگاه

دانشجویان نیستند، در هیچ یک از برنامه‌های ۵ ساله توسعه کشور هم تعهدهایی برای

احداث و توسعه خوابگاه‌ها پیش بینی نشده است. «پانسیون در خانه»، یکی از برنامه‌های

جدید معاونت دانشجویی است بر اساس این طرح که به گفته مدیران دانشجویی وزارت

علوم جدید (تازه از تنور طرح‌ها بیرون کشیده شده است) چندان هم داغ و تازه نیست،

ساکنان اطراف دانشگاه‌ها در صورت تمایل می‌توانند اتاق‌های اضافی منزل خود را به

دانشجویان اجاره دهند!

کاشانی‌ها، خوزستانی‌ها، بروجردی‌ها، مشهدی‌ها، مازندرانی‌ها و بسیاری دیگر، این سوی و

آن سوی شهر، پولهایشان را روی هم گذاشته‌اند تا پول رهن چند صبحی دانشجویی را به

حساب صاحبخانه‌ها بریزند. خانه‌ای که جوان دانشجوی مشهد در یکی از کوچه‌های خیابان

پیروزی، با پول پیش یک میلیون تومانی و اجاره ۴۰ هزار تومانی اجاره کرده، یک سوئیت

۲۰ متری است که صاحب خانه بخشی از خانه ۸۰ متری‌اش را با نئوپان مجزا کرده و در

اختیار او قرار داده است. صدای جیغ محمد علی و محمدرضا، فریاد علی آقا و همسرش و

گاه صدای میهمانان آن ها، عرصه را بر او تنگ می کند. فکر در دسرهای پیدا کردن خانه‌ای مناسب تر، دغدغه‌های اسباب کشی و ... چاره‌ای جز این را برای او باقی نمی گذارد. صادق همکلاسی دیگر او نیز سوئیتی ۳۰ متری را در خیابان سپاه اجاره کرده است. مسافت زیاد محل سکونت او تا دانشگاه، بهانه‌های هر روز صاحبخانه و ... او را نیز به فکر تخلیه انداخته است.

در حال حاضر، دانشجویان شهرستانی بیش از ۶۰ درصد دانشجویان را تشکیل می دهند و در برخی شهرستان‌ها این میزان به ۹۰ درصد هم می رسد. مدیر کل امور دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف می گوید: برای برطرف کردن مشکلات موجود در خوابگاه‌ها، قبل از افزایش ظرفیت سالانه دانشگاه‌ها باید ظرفیت دانشگاه‌ها برای پذیرش دانشجو بررسی شود تا هر سال با آغاز سال تحصیلی، شاهد بروز مشکلات خوابگاهی نباشیم. وی اضافه می کند: یکی از مهمترین راه‌های اداره خوابگاه‌ها، به صورت پانسیون و پیمانکاری است. باید خوابگاه‌ها به بخش خصوصی واگذار شود و در مقابل هزینه‌ها هم میان دانشجو و وزارت علوم تقسیم گردد. دکتر حبیبی اضافه می کند: راهکار دیگر، اداره خوابگاه‌ها به صورت صد درصد خصوصی است که هزینه خوابگاه‌ها را دانشجویان غیر واجد شرایط دانشگاه پرداخت می کنند. عضو شورای برنامه ریزی دفاتر وزارت علوم هم می گوید: کمبود امکانات خوابگاهی و نامناسب بودن محیط، به شکل فزاینده‌ای بر روحیه دانشجویان ساکن در خوابگاه‌ها تأثیر منفی می گذارد. اتاق‌های با ظرفیت دو نفر، گاهی تا ۶ نفر را در خود جای

داده‌اند و این مسئله، محیط پر تنش را برای آنها به وجود آورده است. رامشت می‌افزاید:

تحمل وضعیت نامناسب فضای خوابگاه برای دختران که به لحاظ عاطفی به خانواده وابستگی بیشتری دارند، به مراتب دشوارتر از پسران است.

زندگی خوابگاهی یا زندگی در دخمه‌های تاریک و نموری که عده‌ای نام خانه‌های دانشجویی را به آن می‌دهند! تهران یا مشهد یا بیرجند و یا آن سوتر، در اندیمشک و اهواز، فرقی نمی‌کند؛ مهم آن است همان طور که بسیاری تعهدی برای اشتغال دانشجوی پس از تحصیل نمی‌یابند، همان طور هم عده‌ای مسئولیت فراهم ساختن امکانات رفاهی دانشجوی را از خود سلب می‌کنند و البته، فرقی هم نمی‌کند این دانشگاه و این دانشجوی، دولتی باشد یا غیر دولتی!

رسانه ها و هویت فرهنگی

ما همگی تحت تأثیر رسانه‌ها هستیم. لذا اگر رسانه‌های ارتباطی را در جامعه به عنوان دستگاه عصبی تلقی کنیم، باید برای فهم و درک رسانه‌ها به نحوه زندگی در قرن بیستم مراجعه کنیم. همه ما به نوعی تحت نفوذ رسانه‌ها هستیم پس رسانه‌ها می‌توانند فرهنگ و هویت ما را شکل دهند.

به عنوان مثال، وقتی در انگلیس مردم عصبانی می‌شوند نوع عصبانیت آنها به شکل یکسانی بروز می‌کند زیرا آنها این نوع رفتار فرهنگی منفی را از بازیهای فوتبال آموخته‌اند. پس رسانه‌ها، یک نوع عادت رفتاری می‌آموزند که خود ما هم متوجه آن نیستیم.

امروزه در دنیای صنعتی ۵۰ تا ۸۰ درصد از نیروی کار فعال در بخش ارتباطات مشغول هستند، علاوه بر آن مردم کشورهای توسعه یافته بیش از ۶ تا ۷ ساعت از وقت خود را صرف ارتباطات می کنند. اما متأسفانه ارتباطات در کشور ما اینگونه نیست و به شکل سنتی ادامه دارد، لذا با توجه به آن چه که گفته شد پس کی می خواهیم به سوی مدرنیته پیشرفته گام برداریم؟

در حال حاضر، اغلب کشورهای توسعه یافته در عرصه رسانه های ارتباطی خود تولید کننده اطلاعات هستند و از پیشرفت های رسانه ای نیز برای تولیدات خود بهره می جویند، در حالی که در کشور ایران، ابزارهای ارتباطی همچون تلفن و کامپیوتر صرفاً برای ایجاد ارتباطات شخصی و دوستانه مورد استفاده قرار می گیرد و کمتر در زمینه تجارت و فعالیت های جانبی مورد بهره برداری قرار می گیرند.

علیرغم استفاده محدود از تلفن و کامپیوتر در ایران، این نوع ابزارهای رسانه ای تا حدودی توسعه یافته اند، امروزه با ترکیب تلفن و کامپیوتر می توان در کنترل زندگی مردم نیز بهره گرفت.

بنابراین، با استفاده از این تکنولوژی می توان کاملاً به نظارت در زندگی افراد پرداخت؛ حتی در این زمینه می توان اشخاصی را که به کامپیوتر دسترسی ندارند، تحت کنترل در آورد. امروزه جهان سرمایه داری از جهان فقر وحشت دارد، زیرا فقرای جهان سوم از طریق بکارگیری کامپیوتر و ابزارهای رسانه ای می توانند به نظارت بر کار ثروتمندان پردازند و با

استفاده از این ابزارهای تکنیکی می‌توانند نظم جهانی را در هم بریزند. پس می‌توان گفت هم اینک حوادث تاریخی جهان را ابزار رسانه‌ای رقم می‌زنند یا به عبارت دیگر حوادث امروزی، حوادث رسانه‌ای هستند.

به طور مثال، واقعه ۱۱ سپتامبر این حادثه را از حالت ملی به یک موضوع جهانی مبدل کرد و موجب ارتباط رسانه‌ای بین جوامع مختلف شد. بنابراین می‌توان گفت که جمعیت جهان ارتباط تنگاتنگی با اطلاعات تولیدی رسانه‌ها دارند.

پس باید گفت که زندگی امروز تا حد زیادی انعکاسی از رسانه است و آگاهی و تجربه فرد منوط به میزان استفاده از رسانه‌ها است. ابن خلدون در مورد هویت ما بر این باور است:

«فضا و محیط ما، پر از پیام‌های خوب و بد است و این فضا هویت ما را تشکیل می‌دهد.

با این تعبیر «رسانه» را می‌توان محیط برتر نیز نام نهاد، به عبارت دیگر رسانه ابزار و واسطه‌ای است که پیوسته بر رفتار، کردار، احساسات و تفکر انسان نفوذ می‌کند.

رسانه‌ها و هویت شخص

زمان و مکان دو عامل مهم در شکل‌گیری هویت شخص است. من کی هستم؟ ما کی هستیم؟ امروزه هر فردی به عنوان عضو گروه یا جامعه شناخته می‌شود.

ابزارهای رسانه‌ای کم کم ما را از حالت محلی - شهری - کشوری به هویت جهانی تبدیل می‌کنند.

بنابراین در آینده هویت افراد متکی به مکان خاصی نخواهد بود. امروزه بحثی در جوامع توسعه یافته شکل گرفته است و آن اینکه قرن ۲۱، قرن شکل دهی به شهروند جهانی است بنابراین تلاش دولت‌ها برای محدود کردن انسان‌ها در یک حوزه جغرافیایی تأثیر گذار نخواهد بود.

تکنولوژی ماهواره هم اینک امکان جهانی شدن را برای افراد فراهم کرده است به طوری که افراد خود را به مکان واحدی مقید نمی‌دانند.

قدرت بزرگ بازارهای تجارت بین‌المللی موجب از بین رفتن تضاد بین شرق و غرب شده است از سویی دیگر اروپا کم‌کم در مقام یک ابرقدرت نقش خود را ایفا می‌کند، شرکت‌های چند ملیتی و جهانی شدن سبب بروز تضادهای ملی و قومی در کشورهای جهان سومی می‌شود.

به تعبیر جامعه‌شناسان رشته ارتباطات، در قرن ۲۱، شاهد بروز تضادهای قومی در جوامع خواهیم بود چرا که جهانی شدن، آزادی زبان، فرهنگ و برابری زن و مرد را مطرح می‌کند. هم‌اینک جوامع سنتی به مرور در حال تبدیل شدن به جوامع انتقالی و سپس صنعتی هستند، این تغییرات اجتماعی به خودی خود، ناخواسته تبعاتی را در جوامع سنتی در پی خواهد داشت.

با افزایش تضادهای موجود در جوامع سنتی، ابزارهای رسانه‌ای دیگر پاسخگوی افراد جامعه نخواهد بود. اگر دولت‌ها در پی برآورده کردن نیازهای روحی افراد جامعه نباشند شرایط

دشواری در پیش خواهند داشت، در شرایط فعلی روزنامه نگاران و دست اندرکاران رسانه‌ای وظیفه خطیر سوق دادن جامعه از سنت به مدرنیته را عهده دار هستند. به باور مارشال مک لوهان نظریه پرداز ارتباطات، ما رسانه‌ها را خودمان به وجود آورده‌ایم ولی اکنون رسانه‌ها هستند که ما را به وجود آورده‌اند.

انسان مخترع تکنولوژی است اما طرز کاربرد و محتوای آن زائیده فکر انسان است.

علیرغم این نگره، بعدها هشکل و شیوه کاربرد رسانه‌ای آن روز تفکر، رفتار و احساس ما اثر گذاشت و ما آنگونه شدیم که رسانه‌ها می‌خواستند.

عروس و دامادهای خرافاتی

در همه جای دنیا مراسم ازدواج روش‌ها و سنت‌های خاص خودش را دارد. بسیاری از این آداب و رسوم آن چنان با خرافات عجین شده‌اند که به سختی می‌توان درست و غلط را از یکدیگر تشخیص داد. بیایید با هم سری به آداب و رسوم ازدواج در بریتانیای کهن بزنیم و ببینیم خرافاتی که آنها را طلسم کرده بود اکنون و در عصر حاضر تا چه حد به واقعیت زندگی ما نزدیک است.

مراسم خواستگاری

در گذشته‌های دور رسم بود که داماد، افراد خانواده و یا دوستانش را برای دیدن عروس خانم به منزل وی می‌فرستاد. در صورتی که آنها در مسیرشان به میهمان ناخوانده‌ای مانند

یک مرد نابینا، یک راهب و یا یک زن باردار بر می خوردند می بایست قرار آن روز را لغو کرده، به روی دیگری موکول می کردند و اگر در راه به گرگ، گنجشک و یا بز ماده ای برخورد می کردند آن را به فال نیک گرفته، مطمئن می شدند این وصلت سر خواهد گرفت و مشکلی در میان نخواهد بود.

در قرون وسطی، مردی که تصمیم به ازدواج می گرفت، شاخه «گل رزی» را بیرون از منزل دختر مورد علاقه اش قرار می داد - دختر جوان برای پذیرفتن پیشنهاد آقا داماد گل رز را دست نخورده رها می کرد و جایگزین کردن آن با یک «گل کلم» به آقا داماد می فهماند دختر خانم به وی جواب رد داده است.

پیش به سوی مراسم عروسی

اگر عروس خانم پیش از ترک مکانی که مراسم آنجا برگزار می شود نگاه کوچکی در آینه بیندازد برایش بخت و اقبال خوبی به ارمغان خواهد آورد. اگر عروس و داماد در مسیر رفتن به مراسم عروسی یک دودکش پاک کن ببینند، حتما زندگی خوب و خوشی خواهند داشت و به همه آرزوهایشان می رسند. چنین آرزویی با دیدن رنگین کمان نیز به تحقق می پیوندد. دیدن خوک، مارمولک و یا کلاغ نیز این طلسم را شکسته، همه چیز را به هم می ریزد. بارش باران در فرهنگ های مختلف تعاریف و تفاسیر متفاوتی دارد. برای بسیاری از مردم خوش یمن و نیک است و برای گروهی دیگر سیاه بختی و بد اقبالی را به دنبال دارد.

کیک عروسی

در بریتانیا یک نوع کیک جو در شب‌های عروسی سرو می‌شد و آنها رسم داشتند قطعات کوچکی از آن را مانند کاغذهای رنگی بر سر عروس و داماد بپاشند و معتقد بودند چنین امری برای عروس خانم باروری به ارمغان خواهد آورد. در «یورک شایر» انگلستان، تکه‌ای از کیک عروسی را درون بشقابی قرار می‌دادند و فردای عروسی آن را به منزل والدین عروس برده، از پنجره به بیرون پرتاب می‌کردند. اگر بشقاب می‌شکست و یا صدمه می‌دید نشانگر زندگی خوب و آرامی بود که انتظار عروس و داماد را می‌کشید ولی اگر بشقاب آسیبی ندیده، سالم می‌ماند برای عروس خانم شگون نداشت! در یکی دیگر از نقاط انگلستان مرسوم بود حلقه انگشتری را درون کیک پنهان می‌کردند. هر کسی که حلقه را درون بشقاب کیک خود می‌یافت سالی پر از موفقیت پیش رو داشت. و یا رسم بود دختران و پسران مجرد تکه‌ای از کیک را زیر بالش خود پنهان می‌کردند تا در کمتر از یک هفته زن و یا شوهر ایده‌آل خود را بیابند!

کفش

سنتی که از سال‌های دور مرسوم بوده و همچنان نیز در میان انگلیسی‌ها رایج است آویختن لنگه کفشی پشت اتومبیل تازه عروس و دامادهاست که همانند نعل اسب برایشان خوش شانسی می‌آورد. در برخی نقاط انگلیس هنوز هم رسم است پدر عروس یک جفت از

کفش های دخترش را به آقا داماد هدیه می دهد و به این ترتیب مسئولیت و وظیفه سنگینی را که تا آن زمان بر دوشش نهاده شده بود به عهده وی می سپرد.

مراسم اختتامیه

و بالاخره پس از اتمام مراسم، عروس دسته گل خود را از روی شانه راست به پشت سر پرتاب می کند. دخترهای مجردی که پشت سر عروس و داماد ایستاده اند هر کدام تلاش می کنند دسته گل عروس را بگیرند زیرا می دانند کسی که در این مسابقه برنده شود اولین دختری است که پس از عروس فعلی، لباس عروسی به تن می کند.

دانشگاه یا مکتب خانه ادبیات همان شعر است.

۱. وقتی میرزا بنویس از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بیرون آمد، هیچ اتفاقی نیفتاد. یعنی اتفاقی که قرار بود بیفتد، افتاده بود و میرزا بنویس بدبخت تنها رو به روی تندیس فردوسی گفت: حکیم جان نشد، اینکه همان مکتب خانه خودمان است.

آن روز نه چندان تاریخی (و البته صاف و آفتابی) خیلی ها همان اطراف پرسه می زدند؛ اما من که بعید می دانم کسی میرزا بنویس ما را دیده باشد و این جمله حکیمانه اش را شنیده باشد.

۲. پیش از اینکه میرزابنویس وارد دانشگاه تهران شود، هم هیچ اتفاقی نیفتاده بود. میرزا بنویس فقط سفارش نوشتن گرفته بود و چون کارش نوشتن بود، می خواست بنویسد. قرار

هم گذاشته بودند که درباره غیبت ادبیات داستانی معاصر در درون درسی رشته کارشناسی

ادبیات بنویسد و به همین دلیل راه افتاده بود سمت دانشگاه تهران تا ته، توی قضایا را در
بیاورد.

۳. اینجا همان جایی است که گویا قرار است اتفاقی بیفتد؛ اما چه اتفاقی؟ خود میرزا بنویس

که می گفت: وقتی از وضعیت دروس اصلی و عمومی رشته ادبیات سردرآورده، مغزش تیر
کشیده و اصلاً قید غیبت ادبیات داستانی معاصر را در دانشگاه‌ها رازده است.

۴. طبق گفته‌های جناب میرزابنویس از ۸۲ واحد دروس اصلی این رشته (ادبیات) ۴۸ واحد

به ستون نظم و نثر اختصاص یافته و از این تعداد سهم متون نثر تنها ۱۴ واحد، یعنی چیزی

حدود ۲۹ درصد است. در حالی که سهم نظم در این وضعیت ۳۴ واحد (۷۱ درصد) است.

بدبخت میرزابنویس ما که از این همه اجحاف در حق نثر فارسی می‌خواست خیلی کارها

بکند، وضعیت را اسفبارتر از این حرفها دیده بود. بیچاره می گفت: بدبختی آنجاست که

مباحث عمده تعداد دیگری از دروس اصلی، پایه و تخصصی این رشته مانند بدیع، نقد ادبی،

معانی و بیان (۱ و ۲). تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی. سبک شناسی (۱) و تاریخ ادبیات

(۱ و ۲ و ۳) نیز همه راجع به متون نظمند.

۵. وقتی میرزابنویس در راهروهای دانشکده ادبیات پرسه می‌زد، به این نتیجه رسیده بود که

هنوز هم کسی در مملکت ما جز شعر، چیزی را در شمار ادبیات به حساب نمی‌آورد. میرزا

یاد مکتب خانه خودشان افتاده بود و مکتب داری که فقط شعر را ادبیات می‌دانست.

۶. راستش را بخواهید، حالا شک کرده‌ام که اصلاً میرزابنویسی هم وجود داشته یا نه و حتی هنوز نفهمیده‌ام در دروس مختص نثر مانند دستورزبان آیین نگارش و تاریخ زبان فارسی چرا باید شواهد دستوری و مثالها از متون نظم برگزیده شوند. آن هم شعر که می‌گویند زبانش قاعده‌گریز است؛ اما من هم مثل میرزا بنویس از خیر یدداشت نوشتن درباره غیبت ادبیات داستانی معاصر در دروس دانشگاهی گذشته‌ام.

۷. راستش را بخواهید مثل اینکه این جمله را میرزابنویس گفته بود.

کتابخانه دیجیتال ره آوردی نوین در عرصه فن آوری اطلاعات

جهان با ورود به قرن بیست و یکم با یک تحوّل اساسی و همه‌جانبه در زمینه انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی روبرو شده و حجم اطلاعاتی که در همه وجوه زندگی بشر در کمتر از صدم ثانیه تولید می‌شود، گاه غیر قابل محاسبه و برآوردهای کمی گردیده است.

در چنین دنیایی با این حجم عظیم از تولید اطلاعات، بدون استفاده از فن آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی که در واقع شکل دهنده دانش اطلاعاتی است نمی‌توان به هدف رسید.

امروزه اصطلاحاتی نظیر جامعه اطلاعاتی، عصر اطلاعات و جامعه دانش مدار، به واژه‌هایی آشنا تبدیل شده و در چنین عرصه‌ای مدیریت مؤثر و کارآمد اطلاعات برای رشد و توسعه فرهنگی و اقتصادی جوامع بسیار ضروری است.

فن آوری پیشرفته اطلاعات و ارتباطات، دستیابی به منابع گسترده اطلاعاتی را ممکن می‌سازد، امکان کنترل، تفکیک و سازماندهی اطلاعات مرتبط را فراهم می‌آورد، ارتباطات

سریع و برق آسا و انتقال اطلاعات را میسر می سازد و در صورت کاربرد توسط افراد مسلط به مهارت های اطلاع رسانی، می تواند مراحل یادگیری، ایجاد دانش و تصمیم گیری را ایجاد کند.

در این میان اقداماتی از جمله راه اندازی کتابخانه های دیجیتال، فعالیتی است که در جهت طبقه بندی و مدیریت این اطلاعات در عرصه فن آوری اطلاعاتی که موج انقلابی آن همه جان را فرا گرفته است، صورت می گیرد.

اصلی ترین ویژگی کتابخانه دیجیتالی آن است که با یک کتابخانه الکترونیکی و یا مجازی متفاوت است.

تفاوت عمده کتابخانه مجازی و دیجیتالی در این است که کتابخانه دیجیتالی در واقع جزئی از کتابخانه مجازی است. کتابخانه مجازی در اصطلاح فنی طیف بسیار وسیعی از کتابخانه ها را در بر می گیرد. بنابراین کتابخانه های الکترونیکی و دیجیتال زیر مجموعه آن به حساب می آیند.

تفاوت روشهای الکترونیکی و دیجیتال در این است که در کتابخانه الکترونیکی، امکان ذخیره داده ها بر روی میکروفیلم، نوار و یا فیلم وجود دارد در حالی که در کتابخانه دیجیتالی تمام اطلاعات و داده ها به صورت بایت های دیجیتالی ذخیره شده و تنها از طریق اینترنت قابل دسترسی است.

در واقع کتابخانه دیجیتالی تمامی خدمات خود را از راه اینترنت و «وب سایت» انجام می‌دهد. با توجه به اینکه مؤلفه اصلی ارتباطی در دنیای امروز بر اساس دیتاها یا اطلاعات تعریف می‌شود، در این دنیای امروز بر اساس دیتاها یا اطلاعات تعریف می‌شود، در این دریای بیکران اطلاعات، جهت استفاده صحیح از آنها نیاز به طبقه بندی و مدیریت این اطلاعات است که کتابخانه‌های دیجیتالی این امکان را فراهم می‌سازند.

در این میان بحث کتابخانه، بحثی قابل لمس است و جایی است که به نوعی اطلاعات در آن نگهداری می‌شود.

بعد از ۷۰ سال هنوز ادیتور عکس نداریم

از زمانی که برای نخستین بار عکس به نشریات راه یافت تا به امروز، عکس به صورت جزیی مهم و ضروری برای مطبوعات در آمده است و نمی‌توان تصور کرد روزنامه‌ای که در میان مردم طرفداران و خوانندگانی یافته است به برخی مطالبش جنبه تصویری ندهد.

عکس اینکه به صورت مکمل و متمم روزنامه نگاری در آمده است و این کار، یعنی بهره مندی از عکس برای عینیت بخشیدن به خبر چنان عادی شده است که شاید بسیاری از روزنامه‌خوانان باور نکنند که روزنامه بدون عکس هم ممکن است چاپ شود.

یک عکس خوب چه ویژگی‌هایی دارد سوژه‌های خوب عکس چگونه باید انتخاب شوند، قالب شکنی در عکس مخاطره آمیز است یا نه و ... این‌ها سؤالاتی است که کاووس صادقلو، رئیس انجمن عکاسان مطبوعات ایران، به آن پاسخ می‌دهد:

آقای صادقلو، معیار تشخیص رخدادهای متفاوت و در حقیقت ارزشیابی رویدادها را

روزنامه نگاران به «ارزشهای خبری» تعبیر می کنند، عکاسها چه ابزاری دارند؟

هر عکس صرفنظر از تاریک و روشن بودن و یا کوچک و بزرگ بودن چنانچه در بر

گیرنده «شکار لحظه‌ها» باشد در نشریات خارجی قابل استفاده است، اما در کشور ما بسیاری

از سیاستگذاران نشریات با عکس و ویژگی‌های آن آشنا نیستند.

عکسی که جنبه خبری ندارد و پروسه زمانی خاصی برای آن قابل تعریف نیست نیز می تواند

جنبه هنری به خود بگیرد، اینجاست که مقولات زیبایی شناسی ترکیب بندی هم معنا پیدا

می کند.

چند سالی است که عده‌ای از عکاسان مطبوعات دست به قالب شکنی در گرفتن عکسهای

خود زده‌اند. این قالب شکنی لازم بوده است؟

قالب شکنی خوب است به شرط آنکه درست انجام شود. متأسفانه بزرگترین مشکل در

مطبوعات از این حیث این است که عکس را خبرنگار انتخاب می کند. بعد از ۷۰ سال از

تأسیس مطبوعات ما مقوله‌ای به نام «ادیتور عکس» در هیچ نشریه‌ای نداریم، در صورتی که

در نخستین سالهای تأسیس روزنامه در فرانسه ادیتور عکس نیز شکل می گیرد. امروزه وضع

به گونه‌ای است که حتی عکس و یا عکس‌های معروفترین عکاسهای جهان مثل «جیمز

نچوی» بدون ادیت شدن توسط ادیتور عکس نشریه ارایه نمی شود.

دخل و تصرف در عکس با هدف رساندن پیام به مخاطب از سوی دست اندرکاران نشریات

اعم از مدیران تحریریه‌ها یا مسئولان هر صفحه و ... برای عکاسی اهمیتی ندارد؟

... بیایید این موضوع را به لحاظ قانونی بررسی کنیم. گاهی ما از ادیت کردن یک عکس

صحبت می‌کنیم و گاهی از دست بردن در ترکیب عکس. هنگام ادیت کردن ممکن است

بخشی از عکس به دلیل آنکه احساس می‌شود اضافه است برش زده می‌شود اما وقتی ترکیب

عکس با حذف جزئیات آن و یا افزودن بر آن بر هم زده می‌شود جرم محسوب می‌شود

(البته بدون اجازه از صاحب آن اثر) و چنانچه عکاس و صاحب اثر نسبت به پیگیری آن

اقدام کند با خاطی برخورد قانونی خواهد شد.

پدیده دیگری که چند سالی است دنیای عکاسی را دستخوش تغییر کرده است دوربین‌های

دیجیتال است.

قبل از ورود دوربین‌های دیجیتال دوربین‌هایی وجود داشت که از سرعت عمل بالایی

برخوردار بود. حتی آنهایی که نگاتیو در آنها قرار می‌گرفت. الان بزرگترین دوربینی را که

توسط یکی از شرکت‌های معتبر ارایه شده و بواسطه سرعت عمل بالا و محاسن مختلف در

دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد به هیچ وجه در کشور نمی‌توانید پیدا کنید در صورتی که

دوربین دیجیتال همان شرکت که در واقع همان دوربین نگاتیوی اما دیجیتال شده است

توسط یکی از مراکز خبری ما استفاده می‌شود. طبیعی است که با پیشرفت فناوری عکس

توان عکاسی نیز در گرفتن عکس‌های خوب افزایش می‌یابد.

آیا فاصله ما و دنیا از نظر عکاسی خبری خیلی زیاد است؟

به جرأت می توانم بگویم عکاسهای ما از عکاسهای دنیا چیزی کم ندارند، چون بسیاری از آنها حتی قابلترین عکاسان دنیا را هم کنار زده اند و این نشانگر استعداد بالای عکاسهای ایرانی است. عکاسهای خارجی هم این تهدید را درک کرده اند. در حال حاضر مدیر بزرگترین آژانس دنیا در فرانسه یک ایرانی است و این خیلی مهم است.

اما متأسفانه آنچه امروزه گریبانگیر فعالیت های حرفه ای است در کشور ما شده است همان نگاه های سیاسی به هر پدیده است.

عکس ذاتا چون بیانگر حقیقت است و دروغ نمی گوید می تواند مورد استفاده عکاس و نشریه قرار گیرد. اما اگر به درستی مورد استفاده قرار نگیرد جرم محسوب می شود. وقتی به سردبیر می گوئید این عکس به لحاظ برخورداری از ویژگی های تاریخی و ... قابلیت چاپ را دارد، بدون توجه به این ویژگی ها منافع جناح خود را در نظر می گیرید و ممکن است بگوئید این عکس معرف نقاط مثبت جناح مقابل است و بنابراین نباید مورد استفاده قرار گیرد.

در حال حاضر عکس در مطبوعات به شکل منفی ارزیابی می شود. زیباترین عکسی که به نظر من پس از انقلاب اسلامی از امام گرفته شد عکسی است که یکی از عکاسان فرانسوی به شکل کلوز آب از صورت ایشان گرفته است.

در این عکس بخشی از عمامه، گوش و محاسن امام حذف شده. صورت ایشان برجسته تر نشان داده شده است. حالا عکسی شبیه به این عکس را از فرد روحانی دیگری من می گیرم. در نشریه چاپ نمی شود چون معتقدند چاپ این عکس توهین به فرد است. همین برخوردهاست که شما با عکس های خوب در نشریات کمتر برخورد می کنید. از حضور شما در این گفتگو سپاسگزارم. من هم از شما متشکرم.

بعضی از روابط عمومی ها فکر می کنند «رپرتاژ آگهی» اداره شان خبر است!

در رشد و تکوین روابط عمومی ها سه دوره قابل تشخیص است؛ عصر قدیم که حاکمان می کوشیدند با امتناع و تأثیرگذاری بر روی اندیشه و روحیه افراد، مخاطبان را با خود همراه و همسو کنند، به وجود آمدن واحدهای روابط عمومی در ادارات و مؤسسات آمریکا که شامل یک ارتباط یک سویه است و تنها کار این واحد نشان دادن یک منظر زیبا از مؤسسه به مخاطب می گردید و بالاخره مرحله کنونی که روابط عمومی ها با در نظر گرفتن شرایط عصر ارتباطات و تسلط بر افکار عمومی بر روی محیط اجتماعی به یک ارتباط دو سویه و برگرفته از بازخوردها تکیه کرده است بویژه آنکه می کوشد با تعامل با رسانه ها به اهداف خود تسریع بخشد.

در عین حال عده ای معتقدند بخش اخیر بویژه در مواجهه با رسانه ها، گروه های متعددی دارد که حتی بعد از گذشت این همه به قوت خود باقی است.

دکتر داود زارعیان رئیس متخصصان روابط عمومی و مدیر کل روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات ضمن گفت و گو با ما به تشریح برخی از این مشکلات پرداخته است.

جناب آقای زارعیان، در عین اختلاف در ماهیت رسانه‌ها و روابط عمومی‌ها آیا می‌توان نقاط اشتراکی را برای این دو در نظر گرفت؟

نقطه اشتراک میان رسانه‌ها و روابط عمومی‌ها را می‌توان در دو مقوله اساسی بیان کرد؛ اطلاع رسانی، با ذکر اینکه یکی از ابزارهای مهم روابط عمومی‌ها مجموعه رسانه‌هاست و دیگر آنکه یک روابط عمومی گاه کارکرد رسانه‌ای نیز پیدا می‌کند، به عنوان مثال امروزه در بسیاری از روابط عمومی‌ها می‌توان شاهد انتشار نشریات مختلف بود.

در این تقسیم بندی وظیفه نخست از ن جهت حایز اهمیت است که مراد ما از نشریات، نشریات پرتیراژ می‌باشد و بدون تردید انتشار مطالب در این گونه نشریات بدلیل بازخورد گسترده تر آن، تأمل بیشتری را نسبت به گروهی که در اختیار خود روابط عمومی‌هاست می‌طلبد.

چقدر با این فرض که رابطه بین مطبوعات و روابط عمومی‌ها در هیچ دوره‌ای شفاف نبوده است، موافقت می‌کنید؟

من این رابطه را «غیر شفاف» نمی‌دانم. در حوزه مطبوعات خطوط قرمزی وجود دارد که در صورت انتشار آن و عدم رعایت این خطوط با مشکلات حقوقی مواجه خواهند شد. این

موارد در روابط عمومی‌ها نیز وجود دارد. در کشور ما مطبوعات عموماً آزاد و غیر دولتی اند، لذا در موارد خاص چنانچه خلاف قانون عمل کنند بازخواست خواهند شد. اما روابط عمومی‌ها دولتی‌اند. یعنی مسئول روابط عمومی توسط مدیری منصوب می‌شود که ناگزیر است توصیه‌های همان مدیر را گوش کند. اینجاست که روابط عمومی‌ها باید بیش از مطبوعات احتیاط کنند.

مشکل وقتی پیش می‌آید که مطبوعات در کسب خبر اصرار زیادی می‌ورزند و هویت اخبار محرمانه را نادیده می‌گیرند.

تصور غیر شفاف بودن از همین موضوع نشأت می‌گیرد و گرنه من به عنوان مدیر روابط عمومی مایلم بیشترین کارم با رسانه‌ها باشد، به شرطی که بتوانیم به یک تفاهم مشترک با یکدیگر برسیم.

اصراری که روابط عمومی‌ها برای چاپ برخی از اخبار کم ارزش خود دارند چقدر ناشی از فشار مدیران سازمان بر روی آن‌هاست؟

بسیاری از مدیران ما چاره‌ای جز این ندارند، وقتی مدیر روابط عمومی توسط یک مدیر بالاتر منصوب می‌شود و همان مدیر قادر است اگر خلاف خواست او عمل کرد با وی برخورد کند مدیر روابط عمومی چه کار می‌تواند بکند.

ایفای دو نقش همزمان مدیر روابط عمومی و مدیر دفتر ریاست را هم می‌توان به این تأثیر و تأثرها اضافه کرد؟

در بخشنامه دولت تأکید شده است که روابط عمومی باید مستقل و زیر نظر بالاترین مقام دستگاه باشد. بنابراین در تمامی دستگاه‌های بزرگ این اتفاق افتاده است و تداخل وظایف رئیس دفتر مدیر عامل و مدیر روابط عمومی در این دستگاه‌ها وجود ندارد، برای آنکه مدیر روابط عمومی قادر نخواهد بود هیچ کدامش را به خوبی انجام دهد چون حجم کار در هر دو حوزه بسیار بالاست.

اگر مدیر روابط عمومی زیر نظر بالاترین مقام دستگاه باشد و بتواند ارتباطات خود را تسهیل کند هیچ ایرادی ندارد اما در دستگاه‌هایی دو تا یکی بودن! خوب است که اولاً نسبتاً کوچک باشد و ثانیاً روابط عمومی بر دفتر ریاست ارجحیت داشته باشد، یعنی به جای اینکه بگوییم دفتر ریاست و روابط عمومی، بگوییم دفتر روابط عمومی و ریاست.

به هر حال پیشنهاد ما این است که به هیچ عنوان ادغام نباشد چون وظایف آن کاملاً جد است. اما اگر مبنای ادغام است باید دفتر روابط عمومی و ریاست مورد تأکید قرار گیرد.

ارتقای جایگاه روابط عمومی‌ها به سطح معاونت راه بهتری نیست؟

در این خصوص کار دقیق کارشناسی صورت نگرفته است ولی من معتقدم جوابگو نیست. برای اینکه معاونت باید چندین زیر مجموعه برای خود تعریف کند. همین که معاونی چند اداره کل را تحت نظر داشته دچار مشکل می‌شود. مثلاً برای معاون ارتباطات در یک سازمان باید مدیران روابط عمومی، انتشارات، بین الملل و ... هم تعریف کرد. ایده آل‌ترین روش این است که یک اداره کل ستادی زیر نظر بالاترین مقام دستگاه وجود داشته باشد.

در حالت معاونت، مدیر کل روابط عمومی برای ارتباط با یک رسانه باید از یک معاون هم اجازه بگیرد.

چرا حظی از خطی نمی‌بریم؟!؟

اگر در میان مقوله‌های مختلف فرهنگی کتاب و کتابخوانی را اهرم کارآمد و ابزار توانمند ارتقای سطح فرهنگی جامعه بدانیم قطعاً تصدیق خواهیم کرد که بخش اعظم سرمایه‌های هنگفت فرهنگی ما به واسطه عدم مدیریت لازم در هزینه آن تا مدت‌های مدید دست نخورده باقی مانده و یا در صورت بهره برداری بخش قابل توجهی از آن ناخواسته و ندانسته از بین می‌رود.

تردیدی نیست که طی سالهای اخیر آهنگ رشد کتابخوانی به هیچ وجه مطابق با رشد جمعیت و استانداردهای جهانی نبوده و نیست، اما این در حالی است که مسئولان همچنان بر رشد روز افزون این مقوله در طی تصدی مسئولیت خویش اصرار می‌ورزند.
به نظر می‌رسد برای واکاوی مشکلات موجود در راه فراگیر نمودن فرهنگ کتابخوانی نه می‌توان داغ فرهنگ شفاهی را بر پیشانی عامه مردم زد و نه می‌توان به ارقام و عدد مسئولان اعتماد کافی داشت.

آنچه بیش از همه در طرح مشکل و پس از آن ارایه طرح دغدغه‌های موجود ضرورت دارد تأکید بر چگونگی فراگیر ساختن ضرورتی است که هنوز بسیاری آن را «ضرورت» نمی‌دانند.

به اعتقاد پاره‌ای کتابخوانی امری خلقه‌الساعه نیست که بخواهیم کتابخوان بسازیم. بر همین اساس محور تربیت کتابخان‌ها در سال‌های نخست تحصیل نضج می‌گیرد. تا زمانی که نظام آموزشی ما از تک‌متنی بودن خارج نشود نمی‌توان به ترویج کتابخوانی امید داشت. عده‌ای نیز معتقدند گسترش N.G.O ها و نهادهای خصوصی یا طرح کتابخانه‌های خانگی رهیافت مناسب و قابل‌قبولی در گسترش فرهنگ کتابخوانی خواهد داشت.

به نظر می‌رسد هر آن‌چه که در این مقوله می‌گنجد گرچه ممکن است بخشی از نارسایی موجود در تأمین شرایط آرمانی مورد نیاز ما را تأمین سازد لیکن در طرح یک مشکل جدی همچنان گنگ و الکن باقی خواهد ماند. و شاید همین مقوله مشترک میان صاحبان بازار نشر، مؤلفان و مخاطبان هیچ‌گاه آنچنان که شایسته است مورد واکاوی قرار نگرفته است چرا که بیم آن می‌رود با کالبد شکافی اجزای آن مقدرات مالی و معنوی هر یک از آنها به مخاطره افتد. این حقیقت دریافت مفهومی است که ما از این پس در ضمن اشارات خود به اثر خوب یا بد یاد می‌کنیم.

در عصری که ما در آن به سر می‌بریم انتشار اثر را همواره نمی‌توان حمل بر صحت یا قوام آن دانست. تفاوت میان ناشر و خریدار اثر در انتخاب صحیح‌ترین اثر است چنانچه نیچه در «آتک انسان» می‌گوید: «چه کتاب‌های خوبی می‌نویسم!» و «چرا من این قدر خوب می‌نویسم!» این ادعای نیچه گرچه به گمان عده‌ای گویای پر مدعایی است اما گویای این حقیقت نیز هست که ما نیز هنوز قدم به عصری که او به آن گام گذاشته بود و آن را راهبری می‌کرد

نگذاشته‌ایم. عصر ما عصر پیش از آن عصر است. عهد ما عهد خواندن کتاب‌های خوب

است و نه عهد نوشتن کتاب‌های خوب. نوشته‌های سطحی را تنها نوشته‌های عمیق رسوا

می‌کنند و ما در این مرحله از تاریخ خود بیش از هر زمان نیازمند چنین آثاری هستیم.

می‌گویند سقراط در ضمن بحث‌های خیابانی کتاب زنده خود را می‌نگاشته است و هر

صفحه آن را هر روز بر دیگران می‌خوانده است. روزی حکیمان می‌دانستند و نمی‌گفتند و

آن گاه که می‌گفتند اندکی از آن بسیار می‌گفتند و روزگاری همه نمی‌دانستند و همه

می‌گفتند اما حتی اندکی از آن چه باید نمی‌گفتند. کتاب‌های خوب کتاب‌های بزرگی در

موضوعات پیچیده نیست بلکه کتاب‌های بی‌اندازه هستند، چه بسا جزوه‌های نازک که کتاب‌های

خوبی‌اند و چه بسا کتاب‌های قطور که حظی از خطی از آن نمی‌توان برد!

امروزه بسیاری از صاحبان و اربابان کتابها با خلق و گنجاندن عبارات کوچه و پس کوچه

صاحب نام و نان و نوا می‌شوند. خواننده خوب ضمن مطالعه آثار خوب دغدغه تاوان

سطحی اندیشی نویسنده اثر سطحی نگر را ندارد، خواننده خوب تنها نوشته‌ها را نمی‌خواند

که قادر به خواندن نانوخته‌ها نیز هست. این خواننده می‌داند که هر کتاب به صرف کتاب

بودن نمی‌تواند گویای آخرین حرف و جامعترین و کاملترین حرف باشد. او می‌داند که تنها

با مقایسه صحیح می‌تواند درک کاملتری از جامعترین‌ها داشته باشد.

آخر کلام اینکه در عین اعتقاد به قد کشیدن ستون‌های عریض و طویل ارقام نشر باید در پی

راهی بود که کیفیت نشر را مظهر رشد و بقای فرهنگ جامعه دانست.

با این امداد اگر زلزله بیاید!؟

پنج یا شش اتومبیل «قرمز رنگ» آتش نشانی، یکی، دو اتومبیل «سفید رنگ» اورژانس تهران و چند اتومبیل «سبز رنگ» نیروی انتظامی در حاشیه یکی از خیابان‌های فرعی کارگر شمالی توقف کرده‌اند، اما هیچ نشانی از آتش سوزی در محل مشاهده نمی‌شود. انبوه جمعیت گرد تلی خاک حلقه زده‌اند.

غلام محمدی کارگر ۲۴ ساله افغانی حین انجام عملیات خاکبرداری بر اثر ریزش خاک دچار حادثه می‌شود.

این حادثه در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه ۲۶ بهمن ماه اتفاق می‌افتد و تلاش همکاران این کارگر افغانی به متقاعد کردن مأموران برای نجات وی بی‌نتیجه ماند.

آنها می‌گویند که هیچ کس حق ندارد در کار آنها دخالت کند و زمان به سرعت می‌گذرد، اما هیچ پیشرفتی در کار دیده نمی‌شود.

طنابی به طول حدود ۱۰ متر دو گونی، یکی دو کلنگ و یا چند بیل زنگ زده علاوه بر اتومبیل‌هایی که به هیچ کاری نیامدند تمام تجهیزات نیروهای امدادی است.

تعداد زیاد نیورها عملاً فرآیند کار را دچار اختلال کرده است، اما هر یک به نوعی می‌کوشند جمعیت حاضر را متفرق کنند. ساعت، حدود ۱۲ و ۴۰ دقیقه را نشان می‌دهد،

مأموران آتش نشانی تصمیم می‌گیرند با شکافتن بخشی از آسفالت خیابان و انجام عملیات خاکبرداری مجدد به کارگر محصور در کانال فرعی دست یابند.

بیل مکانیکی کارآمدترین ابزاری است که می‌تواند مأموران را در انجام این مهم یاری دهد،
زمان همچنان می‌گذرد و سرانجام در ساعت ۱۳ و ۴۰ دقیقه یک دستگاه بیل مکانیکی آرام
و البته با چراغ‌هایی روشن از گرد راه می‌رسد و کارگران عملیات خاکبرداری خود را برای
کارآمد کردن بیل آغاز می‌کنند.

سختی سطح آسفالت خیابان به قدری است که همین عملیات ساده را تا ساعت ۱۶ به تأخیر
می‌اندازد. مأموران همچنان در میان همهمه مردم و واکنش‌های طبیعی آنها به تأمل در
خصوص آن چه پیش روی آنهاست مشغولند.

هنوز کسی به درستی از غلام بیچاره خبری ندارد. تنها کارگری که تا لحاظتی بعد از وقوع
حادثه همراه وی بوده است، می‌گوید او تا کمر در خاک فرو رفته است.

سه تن از اقوام این جوان افغانی نیز که او را در انجام عملیات خاکبرداری همراهی
می‌کردند، در محل حضور دارند. گاه به مأموران کمک می‌کنند و گاه در گوشه‌ای و یا در
کوچه‌ای فرعی زانوی غم به بغل می‌گیرند و برای او دست به دعا بر می‌دارند.

سرانجام تلاش مأموران در ساعت ۱۷ به نتیجه می‌رسد در میان همهمه جمعیت حاضر، غلام،
کارگر بیچاره افغانی بعد از ۶ ساعت بیرون کشیده می‌شود. در میان بهت و حیرت جمعیت،
پزشک اورژانس اعلام می‌کند که علایم حیاتی در او مشاهده نمی‌شود.

اشک در چشمان ایرانی و افغانی حلقه می‌زند. یکی می‌گوید: بیچاره افغانی اگر می‌گذاشتند
اقوامش او را نجات دهند، قطعا او زنده می‌ماند.

دیگری می گوید: «بیچاره ما تهرانی‌ها». می گویم: «چرا»، می گوید: «تصور کنید اگر روزی در این شهر شلوغ زلزله‌ای بیاید و به فرض سالم ماندن تجهیزات امداد و نجات، قرار باشد برای نجات هر تهرانی ۶ ساعت وقت هزینه شود چه فاجعه انسانی رخ خواهد داد!»

نگرانی از افزایش بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی

نگاهی به صفحات نیازمندی‌های روزنامه‌ها نشان می‌دهد، تعداد زیادی از جوانان کشور به مشاغلی چون خرید و فروش پرندگان سخنگو، تربیت حیوانات خانگی، نصب آنتن و دیش ماهواره. به رغم غیر قانونی بودن آن، مشاوره برای لاغری و چاقی، کارت پخش کردن و ... مشغولند و از این طریق نان در می‌آورند. البته این تعداد به غیر از جوانان و نوجوانانی هستند که در معابر شلوغ و مراکز خرید شهر با فالگیری و خرید و فروش نوار و سی‌دی‌های غیر قانونی خود را سرکار گذاشته‌اند.

آمار نگران کننده بیکاری فارغ التحصیلان

در این میان، برخی آمارها، نگرانی در خصوص افزایش نرخ بیکاری در کشور را بیشتر می‌کند. بر اساس آمارهای ارائه شده، میزان بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی ۵ درصد بیشتر از نرخ بیکاری کل کشور است.

یک مسئول در مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، نرخ بیکاری در کشور را ۱۴/۵ درصد اعلام و تصریح می‌کند: «نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی در سال ۷۵ حدود ۴ درصد

بود، اما در سالهای اخیر به ۲۰ درصد رسیده است. این امر در حالی است که روز به روز تقاضای اجتماعی برای ورود به مراکز آموزش عالی کشور بیشتر می شود.

این مسئول می گوید: تشدید بیکاری در کشور به ساختار جمعیتی جوان، تولید و وابستگی به درآمد نفت مربوط می شود، هر چه بخش اقتصاد و سیاست های پولی و مالی و اقتصادی در چرخه سرمایه گذاری و تولید ضعیف باشد، فارغ التحصیلان دانشگاه ها در خصوص اشتغال با مشکلات زیادی روبه رو خواهند شد.

پذیرش دانشجو با بازار کار تناسب ندارد

کارشناسان ذی ربط معتقدند آموزش های دانشگاهی باید با نیازهای بازار کار تطابق داشته باشد، در حالی که امروزه چنین نیست و دانشگاه ها بر اساس نیاز کار جامعه به گزینش دانشجو اقدام نمی کنند. گرچه علت اصلی بیکاری را باید در رکود فعالیت های اقتصادی کشور جست، اما همچنین باید تصریح کرد: بخش های اشتغال و بازار کار نیز متناسب با استانداردهای جهانی از نیروی کار متخصص استفاده نمی کنند.

بر اساس آمار، در سال ۷۵، ۱۰ میلیون نفر در بخش خصوصی شاغل بودند که فقط ۲۰۰ هزار نفر یعنی ۲ درصد مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا داشتند و از جمعیت ۳/۵ میلیونی شاغل در این بخش فقط ۴۷ صدم درصد فوق دیپلم بوده و در این بخش صنعت هم تقریباً همین میزان مدرک دانشگاهی داشته اند.

به اعتقاد کارشناسان، بخش اقتصادی کشور باید از تحرک و پویایی برخوردار شود تا بتوان از نیروی متخصص و آموزش دیده بهره وری کرد.

۳۵ هزار پزشک بیکار

در حالی که بسیاری از مناطق دور افتاده و محروم کشور از نبود پزشک رنج می برند و به گفته مسئولان وزارت آموزش و پرورش، کمبود فراوانی برای دانش آموزان پدید آورده است، رئیس انجمن پزشکان ایران می گوید: ۳۵ هزار پزشک بیکار در کشور وجود دارد که به دلایلی چون واقعی نبودن تعرفه های پزشکی، نبود امکانات در مناطق محروم و تمرکز آزمایشگاه ها در چند شهر بزرگ کشور، نتوانسته اند از آموخته های ۷ سال و بیشتر خود بهره گیرند و اغلب در مشاغل غیر مرتبط چون بساز و بفروشی و کارگردانی مشغول به کار شده اند.

بیکاری جوانان به روایت ما

بر اساس آمارهای ارائه شده با توجه به بیکاری ۳۱ درصدی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله کشور به عنوان نیروی فعال اقتصادی کشور، میزان بیکاری در میان گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال و ۲۰ تا ۲۴ سال، ۳۴ درصد و در میان ۲۵ تا ۲۹ ساله ها، ۱۶ درصد است.

بر این اساس، با توجه به نرخ رشد ۱۳/۲ درصدی بیکاری در سال، پیش بینی می شود که در سال ۸۵ بیش از نیمی (۵۲ درصد) از جمعیت ۱۵ تا ۲۹ سال بیکار باشد. رئیس سازمان ملی

جوانان نیز با بیان اینکه در سالهای آینده بیکاری به سمت جوانان تحصیلکرده خواهد رفت، می گوید: در سالهای آینده بیکاری به سمت جوانان تحصیلکرده خواهد رفت که از این میان نرخ بیکاری زنان بیشتر خواهد بود.

عبادی می افزاید: این امر در حالی است که با وجود گرایش ۹۰ درصد جوانان به سمت تحصیلات عالی به علت سنتی بودن آموزشها، قادر به پاسخگویی مهارت‌های مورد نیاز بازار کار نیستیم.

وی همچنین از تهیه گزارش بیکاری و اشتغال جوانان کشور به تفکیک سن، جنس، سال، استان و حوزه‌های شغلی و ارزیابی روند بیکاری طی ۶ سال گذشته خبر داد و افزود: این گزارش به شورای عالی اشتغال ارائه شده است.

دانشگاه، دولتی و غیر دولتی

بسیاری از صاحب‌نظران آموزش عالی در ایران، نخستین دوره آموزش عالی را که مواجهه تورم شد را دوره فاصله سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ می‌دانند. در این دوره ۲۰ ساله شاخص‌های آموزش عالی از ۴ تا ۸/۴ برابر و شاخص‌های آموزش پیش‌دانشگاهی از ۳ تا ۱۲/۲ برابر شده است.

سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ حکایت از یک دوره مواجهه با تورم جدید می‌کند که انتهای آن هنوز نامشخص است. در این دوره تعداد دانشجویان از رشدی معادل ۵ برابر برخوردار بوده است بسیاری گناه تورم ۴۰۰ درصدی این دوره را متوجه بزرگترین دانشگاه غیر دولتی کشور

می‌دانند که عملاً با جذب بی‌رویه دانشجو موجبات کاهش سطح علمی آموزش دانشگاهی را نیز فراهم آورده است.

در میان رشته‌های متنوعی که بیشتر رشد آن توسط این مجموعه مهیا شده است می‌توان به رشته‌های علوم پزشکی اشاره کرد که به رغم سکوت معنادار مسئولان وزارت علوم در قبال گروه‌های غیر آن، مدیران وزارت بهداشت و درمان را به تلاش جدی بر سر توقف تأسیس آن وا داشته است. واقعیت آن است که اگر بخواهیم سهم گروه اخیر را در میان سایر گروه‌های غیر پزشکی بررسی کنیم، به رقم ناچیزی دست خواهیم یافت که در نخستین نگاه تأثیر چندانی بر مجموعه آموزش عالی نخواهد داشت، لیکن مسئولان بخش بهداشت کشور معتقدند واحدهای آموزشی دولتی به مشکل اشتغال پس از پایان تحصیلات واقفند و آن را پذیرفته‌اند اما دانشگاه آزاد اسلامی همچنان نسبت به این معضل بی‌اعتناست و هر سال نیز بر سهمیه پذیرش دانشجو در این رشته‌ها می‌افزاید به اعتقاد اینان وجود هشت هزار پزشک عمومی بیکار در کشور مفهومی جز هدر رفتن منابع کشور ندارد و بنابراین لازم است ظرفیت دانشگاه‌ها در زمینه گروه‌های پزشکی مورد تجدید نظر قرار گیرد و ضمن اصلاح در این زمینه به بحث «اقتصاد درمان» نیز توجه شود.

هر ساله حدود یک هزار و ۸۰۰ دانشجو در رشته پرستاری پذیرش می‌شوند که به تازگی پذیرش دانشجو در این رشته با توجه به وضع موجود در سه دانشگاه دولتی از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حذف شده است در چنین شرایطی دانشگاه آزاد اسلامی

سالیانه حدود ۳ هزار و ۲۰۰ دانشجوی پرستالی پذیرش می کند. بر همین اساس از چندی پیش وزارت بهداشت و درمان ۳۷ دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد را فاقد صلاحیت برای پذیرش دانشجو دانست و اعلام داشت که منبع رسمی در مورد ارزیابی واحدهای دانشجویی وزارت بهداشت است.

چنانچه اشاره شد در شرایطی که جدال میان یک وزارتخانه با مسئولان دانشگاه بزرگ غیر دولتی همچنان ادامه دارد، متولیان وزارتخانه دیگر که چندی پیش جدالی مشهودتر را با همین دانشگاه دنبال می کردند، نه تنها سکوت اختیار کرده که در مسیر مجموعه اخیر گام برداشته اند. با این وصف این سؤال مطرح است که آیا نسخه ای که امروزه پزشکان برای بزرگترین دانشگاه غیر دولتی پیچیده است زمانی نیز به سرنوشت همراهی و یا حداقل سکوت وزارت علوم در قبال تأسیس واحدهای غیر دولتی دچار نخواهد شد؟!

از کبوترهای نامه بر تا ایسنا، ایپنا، پانا، ...

تأسیس خبرگزاری در ایران به سال ۱۳۱۳ بر می گردد. با تأسیس خبرگزاری پارس رسماً فعالیت خبرگزاری ها شروع شد. در سال ۱۳۵۰ خبرگزاری رادیو و تلویزیون ملی ایران (واحد مرکزی خبر) و در سال ۱۳۷۸ خبرگزاری ایسنا به جمع رسانه های موجود پیوستند و امروز خبرنگاران و روزنامه نگاران با نام های متعدد خبرگزاریهایی چون پانا، ایپنا، ایلنا، فارس، مهر و ... آشنایند. اما برآستی دلیل حضور و تأسیس خبرگزاریهای متعدد در کشور چیست. کوشیده ایم ضمن این گزارش پاسخی نیز برای این پرسش خود بیابیم.

محمد تقی روغنیها، استاد علوم ارتباطات در همین خصوص می گوید: عنوان خبرگزاری دادن به تمامی مراکز فوق کار درستی نیست چون خبرگزاریها دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی هستند که تمامی سازمان‌ها و ارگانهایی که در حال حاضر تحت عنوان خبرگزاری فعالیت می‌کنند فاقد این ویژگی‌ها هستند. وی اضافه می‌کند: برخی از این مراکز که مبادرت به انتشار خبر می‌کنند بیشتر مراکز اطلاع‌رسانی خاصی هستند که صرفاً در یک محدوده آن‌ها برای یک سازمان اطلاعات خود را منتشر می‌کنند و نمی‌توان آنها را خبرگزاری نامید. خبرگزاری مرکزی است که نسبت به دریافت اطلاعات در زمینه تخصص خود از تمام منابع مختلف با استفاده از خبرنگاران و همچنین با تولید خبر فعالیت داشته و دامنه انتشار خود را در سطح وسیعی مد نظر قرار داده است.

سؤال دیگری که باید به آن پاسخ گفت این است که در شرایطی که ایران اقتصادی دولتی است آیا تأسیس خبرگزاری به این شکل مقرون به صرفه خواهد بود؟

«روغنی‌ها» در پاسخ به این پرسش می‌گوید: تنها دو خبرگزاری در دنیا وجود دارد که سوددهی دارند خبرگزاری رویتر و بلومبرگ. تمامی خبرگزاریهای بین‌المللی دیگر مثل خبرگزاری فرانسه از یارانه و امکانات دولتی برای ادامه کار خود استفاده می‌کنند.

اساساً کار خبرگزاریها نمی‌تواند به سوددهی منجر شود به دلیل اینکه تولید و گردآوری اخبار کار سنگین و هزینه‌بری است و بدلیل اینکه در این راستا مشترکین محدودی نیز وجود دارد مقرون به صرفه نیست.

دکتر افخمی استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی نیز تشکیل خبرگزاریهای متعدد در ایران را نشانه‌ای از تکثرگرایی می‌داند و آن را نوعی مقابله با انحصاری شدن اطلاعات و اخبار معرفی می‌کند و معتقد است تعدد خبرگزاریها می‌تواند تکثر و تنوع رسانه‌ها در جامعه را در پی داشته باشد و این مسأله بدی نیست. وی در عین حال خاطر نشان می‌کند: اگر خبرگزاریها بخواهند نقش احزاب سیاسی را به خود گیرند و از این طریق به تکثر و تنوع عقاید سیاسی برسیم غلط و نادرست است.

دکتر شجاع حسینی استاد دانشگاه آزاد اسلامی نیز می‌گوید: تزریق بی‌حساب و کتاب اطلاعات بدون در نظر داشتن قواعد نظم بخشی آن توسط هر شخص حقیقی و حقوقی خطر ایجاد نظام متزلزل و بی‌هویتی در جامعه را در پی خواهد داشت. به ویژه آنکه انتظام خرده اطلاعات و الزامات طبقه بندی آن قاعده مشخصی را می‌طلبد که ابزار آن در اختیار همه نیست. وی در عین حال می‌گوید: تأسیس خبرگزاری در کشور ما چنانچه تحت اسلوبهای خاص خود انجام پذیرد می‌تواند به پیشبرد اطلاع رسانی و جلوگیری از نشت اطلاعات آن هم از منابع خبری بیگانه کمک کند.

اسلامی، مشاور خبرگزاری ایلنا نیز می‌گوید: قطعاً نگاه مقطعی کردن به تعدد و تکثر خبرگزاریها نمی‌تواند مشکل را حل کند. خبرگزاریهایی که شما امروزه با آن مواجهید هنوز در آغاز راه خود قرار دارند و طبعاً نیازمند سیری تکاملی می‌باشند.

وی اضافه می کند: چه ضرورتی از تأسیس این خبرگزاریها بالاتر که این مجموعهها الزاما باید تکامل یابند. در این مسیر آنها که متناسب با نیازهای دراز مدت فضای اطلاع رسانی نیستند یا دگرگون می شوند، یا در همدیگر ادغام خواهند شد و یا اینکه مجبور به قرار گرفتن در راهی جز راه سابق خواهند شد.

جهانی شدن فرار مغزها را بیشتر می کند

دگرگونی روابط اجتماعی ناشی از جهانی شدن از طریق تبلیغ و جستجوی اینترنتی فرصت های شغلی، ارزیابی اینترنتی صلاحیت متقاضیان مهاجرت، آشنایی اینترنتی صلاحیت متقاضیان مهاجرت، آشنایی اینترنتی با قوانین مهاجرت، تأسیس دانشگاه های مجازی و آموزش از راه دور، کاهش اهمیت دوری از خانواده، دوستان در اثر نابودی فاصله توسط رسانه های نوین ارتباطی منجر به فرار مغزها می گردد.

یکی از پیامدهای جهانی شدن، دگرگونی روابط اجتماعی است، بدین معنا که فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نظیر شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و شبکه جهانی اینترنت با عبور از فرار مرزهای ملی و ارسال پیام های صوتی، تصویری و نوشتاری به سراسر جهان، زمان و مکان را فشرده ساخته و وضعیت بازدارندگی موانع و محدودیت های سیاسی و جغرافیایی در برقراری روابط اجتماعی را از بین برده اند.

در نتیجه روابط اجتماعی چهره به چهره متحول شده است. به گونه ای که از طریق رسانه های نوین ارتباطی هر کسی قادر است که با هر فردی در هر نقطه از جهان ارتباط برقرار کند و

در اثر پیدایش این رسانه مفاهیم اجتماعی مؤثر در مهاجرت مانند غربت و دوری از خانواده و دوستان متحول شده او از بار عاطفی آنها کاسته شده است.

اگر تأثیر این عامل را بر پدیده فرار مغزها در کشورهای ایران با ترکیه، هند، مصر و پاکستان مورد ملاحظه قرار دهیم مشخص می‌شود که هند بیش از همه و مصر کمتر از سایرین، تحت تأثیر این عامل قرار دارند.

یکی دیگر از سازوکارهایی که جهانی شدن از طریق آن پدیده فرار مغزها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، نابرابری اطلاعاتی است.

در این نوع اقتصاد، اطلاعات و دانش نقش مهمی در فرآیند تولید، توزیع و مصرف ایفا می‌کند، با توجه به اینکه زیرساختارهای فنی همانند خطوط تلفن و الکترونیسیته از پیش شرط‌های ضروری توسعه اطلاعاتی و ارتباطاتی است.

بنابراین نابرابری اطلاعاتی نقش مهمی در پدیده فرار مغزها ایفا می‌کند.

اگر بخواهیم تأثیر این عامل را بر پدیده فرار مغزها در کشورهای مورد مطالعه ملاحظه کنیم مشخص می‌شود که تأثیر نابرابری اطلاعات بر پدیده فرار مغزها در ایران ۲۷/۳ درصد، هند ۲۴/۳۳ درصد، پاکستان ۱۸/۹۲ درصد، ترکیه ۱۶/۲۲ درصد و مصر ۱۳/۵۲ درصد است.

یکی دیگر از سازوکارهایی که جهانی شدن از طریق آن زمینه فرار مغزها را فراهم می‌سازد بحران هویت است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بدون هیچ محدودیت جغرافیایی و

سیاسی و بر فراز مرزهای ملی، ارزش‌های فرهنگی جوامع توسعه یافته را در سایر کشورها رواج می‌دهند.

در چنین شرایطی تعارض ارزش‌ها و هنجارها نیز پیش می‌آید که در نتیجه آن تعلقات میهنی و دینی کاهش می‌یابد و رفتارهایی ظهور می‌یابند که متناسب با نظام ارزشی نیستند و در نتیجه عواطف میهن دوستانه کاهش و زمینه فرار مغزها فراهم می‌شود.

اگر تأثیر این عامل را بر پدیده فرار مغزها در کشورهای مورد مطالعه توجّه قرار دهیم، متوجه می‌شویم ایران بیش از همه و پاکستان کمتر از همه تحت تأثیر این عامل هستند.

در رگ عشق خیمه زدیم

روایت اهل قلم حمایت مرید و مراد و دغدغه فهم و فهماندن و گفتمان ناگفته‌هاست. حکایتی که پستی بلندی‌های آن را اهالی دل و شاعران و نویسندگان می‌دانند. باید از آنان پرسید که به چه قیمتی می‌نویسند: دیگران گفته‌اند و من هم می‌گویم به همان قیمتی که برای سرودن و نوشتن پرداخته‌ایم. به بهای روزهایی که چون دیگران می‌توانستیم باری به هر جهت خوش باشیم ولی خود را ساختیم با خشت عشق و تحقیق و در این میانه باز خواستیم فرزند خوبی برای مادر وطن باشیم و مادر خوبی برای فرزندانمان و انسان خوبی برای جامعه و در این بودن‌ها خود را نادیده گرفتیم. در رگ عشق خیمه زدیم و قطره قطره نظر عشق و احساسمان را در سرنگ قلم بریدن دفتر و کتاب ریختیم تا به آرامش و احقاق حقوق خود و دیگران برسیم. نویسنده دارای افق دید وسیع و انتخابی حساس شده است که تلاش و تفکر

او یک تصادف نبوده بلکه با پیش زمینه به آن پرداخته، لذا نباید کار خود را با معیارهای مادی ارزیابی کند چرا که برای رسیدن به مادیات ذهن روشن او می‌توانسته راه‌های سهل الوصولی را پیش رو گیرد. اگر قرار باشد که نوشتن را کنار بگذاریم باید بگوییم نشدنی است؛ هم نمی‌توان نوشت و هم نمی‌توان بر نوشتن قیمت گذاشت. تنها زمانی می‌توان دیگر نوشت که فریاد کشیدن آزاد باشد شاید سؤال اینگونه مطرح شود که به چه قیمتی می‌نویسید. به قیمت گزاف شاید به ارزش میلیون‌ها دلار چرا که گاهی نوشتن و سرودن زندگی را دچار نوسان اساسی می‌کند؛ چه بسیار نویسندگانی که مفاخر ملی ما بوده‌اند اما یا در فشار روحی و یا در زندان زندگی خود را طی کرده‌اند. نویسندگان و شاعر بودن یک افتخار فردی، ملی و قومی است که آسان به دست نیامده است مگر اینکه شخص به درجه بالای درک معنوی و علمی رسیده باشد. باید بگوییم که ما و دیگران کشورها را از روی هنرمندان، شعرا و نویسندگان می‌شناسیم آنچه که اسم فرانسه را بزرگ کرد جز کسانی چون ویکتور هوگو یا لامارتین است. ایران را با اسم حافظ و مولانا می‌شناسند؛ همین کسانی که نام کشورشان را پرآوازه کرده‌اند گاهی مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و پس از مرگ مطرح می‌شوند. پس علاوه بر تلاش، مردن را باید شرط مطرح شدن دانست و اگر دقت کنیم می‌بینیم که شعرا و نویسندگان و تئوریسین‌ها نقطه مرکزی تحولات فرهنگی، ادبی و سیاسی جهان بوده‌اند و تحولات سیاسی و اجتماعی همه ریشه در افکار آنان دارد لذا باید ارزش بیشتری برای خودمان قائل باشیم و به قول سقراط از عشق و حقیقت به هر قیمتی دفاع کنیم.

وقتی آقای سردبیر با یک گل از این رو به آن رو می شود

ساختار نشریات ورزشی، نوع مخاطبان و حتی تحرک و شور حاکم بر خبرنگاران و نویسندگان ورزشی گرچه ممکن است ضریب خطا در این گونه نشریات را افزایش دهد اما قطعاً چیزی از اعتبار آنها نمی کاهد.

درک موقعیت نشریات تخصصی و ضرورت قرار گرفتن آن هادر قالبی مجزا توصیه ای است که همواره کارشناسان علوم ارتباطات بر آن تصریح می کنند. ساختار این گونه نشریات و از سوی دیگر تأثیرپذیری آنها از تفسیرهای مغالطه آمیزی که هر از گاه توسط برخی مفسران ناآگاه عرضه می شود ضرورت هوشیاری خبرنگاران و مدیران این گونه نشریات را می طلبد. محمد کاظم قدومی یکی از کارشناسان تربیت بدنی معتقد است تأثیر مطبوعات ورزشی در جامعه به ویژه بر روی جوانان و نوجوانان از سایر مطبوعات تخصصی و غیر تخصصی بیشتر است متأسفانه به نظر می رسد پاره ای از مطبوعات ورزشی نیز با پی بردن به این مسئله، تنها به کسب سود خود و جلب مخاطب بیشتر می اندیشند.

دکتر بیژن نفیسی روزنامه نگار با سابقه کشورمان نیز می گوید: تأثیر گذاری مطبوعات تخصصی روی مخاطب خاص خود همیشه بیشتر از نشریاتی است که نگاهی سطحی تر به قضایا دارند. ممکن است در روزنامه ای که یک صفحه ورزشی بیشتر ندارد به دلیل محدودیت های جا و صرفاً به دلیل تعهد به انجام وظیفه اطلاع رسانی تعداد کمی از اخبار به چاپ برسد و جایی برای تفسیر باقی نماند ولی در مطبوعات ورزشی شما مقاله تحلیل،

گزارش و مصاحبه را هم در کنار خبرتان دارید، از این نظر این گونه نشریات مسئولیت بیشتری دارند و به همین دلیل است که کسی که در این نشریات فعالیت می کند باید تخصص آن را هم داشته باشد.

دکتر نفیسی در توضیح تأثیر پذیری سبک های مختلف روزنامه نگاری از تحولات ورزشی می گوید: جو روانی جامعه نمی تواند و نباید قاعده سبک ها را تغییر دهد پرداختن به محتوای مطلب نیز تابع همین سبک است. در مطبوعات ورزشی نیز باید از جملات واژه هایی استفاده کرد که در سطح جامعه به نسبت معمول خود رایج است و گرنه ممکن است به بیراهه برویم. وی اضافه می کند: ما حتی نمی توانیم فرهنگ عامیانه خود را در مطبوعات ورزشی حاکم کنیم. نشریه و رسانه ما مسئولیت واژه نویسی هم دارد. همان گونه که در پزشکی ممکن است استفاده از یک واژه یا برداشت ناصواب از یک موضوع زندگی فردی را به خطر اندازد در نشریات دیگر و به ویژه نشریات ورزشی نیز تعابیر غلط تأثیر بدی بر روح و روان جوان می گذارد.

مدیر اجرایی روزنامه خبر ورزشی هم می گوید: مگر طول و عرض مطبوعات ورشی کشور چقدر است، میدان کوچکی است و مخاطبان کوچکی هم دارد. از جمعیت ۶۵-۷۰ میلیونی کشور فقط یک میلیون نفر روزنامه می خوانند و از طرفی ده - دوازده روزنامه با سوژه های اندک و فرسوده مواجه اند که بسیاری از آنها هم کپی یکدیگرند ضمن اینکه رخدادهای هم جاذبه چندانی برای مخاطب ندارد بنابراین چاره ای جز بزرگنمایی سوژه های ورزشی نیست.

وی در خصوص تعامل مسئولان با نشریات ورزشی می گوید: متأسفانه مسئولان رده بالای ورزش کشور از نقد مطبوعات خوششان نمی آید همین موضوع باعث شده است که نتوانند با همزیستی مسالمت آمیز گره مشکل ورزش کشور را اصلاح کند نتیجه این مسأله را می توانید در مشکل رؤسای همیشگی فوتبال یا مطبوعات ببینید. آنها هنوز مطبوعات را به رسمیت نمی شناسند!

نیک نژاد، ورزشی نویس با سابقه کشورمان که بیش از دو دهه به این حرفه اشتغال دارد می گوید: ورزش تا زمانی که بعد تخصصی به خود نگیرد و افراد صاحب اصل و نسب حرفه ای و آشنا به امور در یک حداکثر دو رشته کنترل صفحات ورزشی نشریات را به دست نگیرند همین بلبشویی که متأسفانه شاهد آن هستیم ادامه خواهد داشت. مسئولان غیر ورزشی و غیر تخصصی ما نیز تمام خط و خطوط خود را از این نشریات می گیرند.

وی اضافه می کند: ورزش ما هیچ گونه حاشیه امنی نخواهد داشت مگر آنکه کارها به صورت تخصصی دنبال شود و به ورزشی نویس هم مثل متخصص امور سیاسی که در حوزه آسیا، اروپا، آفریقا و ... بحث می کند، نگاه شود. تعدد یکباره مطبوعات ورزشی در ده سال اخیر کار را به جایی رسانده است که سردبیر یک نشریه به دانشجویی ۱۹-۲۰ ساله اشناهی خود مجال می دهد همزمان از فوتبال، کشتی، والیبال، شنا و ... بنویسد و همین مسأله باعث می شود نشریات ما از عمق کافی برخوردار نباشد. اگر کنار دیوار لغزنده و سستی نشسته‌اید نمی توانید به طرف رقیب سنگ اندازی کنید چون ممکن است او دیوار را بر روی شما

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

خراب کند. ما داریم به زیر این دیوار می‌رویم. این روزنامه نگار ۵۴ ساله کشورمان خاطر

نشان می‌کند: وقتی سردبیر یک نشریه ورزشی با یک گل پرسپولیس، استقلال یا پاس از این

رو به آن رو می‌شود، مجموعه زیر نظر او چه خواهند شد. وی می‌گوید: برای من اصلاً مهم

نیست که همکاران و دوستان هم صنف من چه قضاوتی در مورد این گفته‌های تلخ من

خواهند داشت چرا که این واقعیات خود تلخ‌تر است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: بعضی ها به این دخمه ها، خوابگاه دانشجویی می گویند
Subject:
Author: mehdi
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/11/2012 8:43:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/11/2012 8:43:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 45
Number of Words: 7,494 (approx.)
Number of Characters: 42,719 (approx.)